

حضور داعش در افغانستان؛ تهدیدی بر امنیت ملی ج.ا.ایران (با تاکید بر ژئوپلتیک انتقادی و نسل نوین تروریسم ۲۰۱۹-۲۰۱۷)

علی باقری زاده، شهرام عسکری حصن^۲

چکیده

اولین و اساسی ترین مسئله در شناخت انحرافات گروه های سلفی- تکفیری «نسل نوین» که داعش از مهمترین آنها بشمار می آید شناخت گفتمان و قلمرو و بستر ژئوپلتیک آنهاست. داعش از یک هسته اصلی و یک مبانی فکری و عقیدتی تشکیل شد؛ هسته این گروه همان بعثی های عراق و مبانی فکری و عقیدتی آن سلفی ها بودند که ظاهری مذهبی و اعتقادی به این گروه بخشیدند. با حضور داعش در افغانستان و دشمن شمردن عناصر طالبان از سوی آنها بیم از ظهور یک گروه تروریستی دیگر با اهدافی متفاوت احساس می شد و تهدیدهای مختلفی از نظر امنیتی، سیاسی و ژئوپلتیکی برای کشورهای همسایه از جمله ایران ایجاد شد. از این رو مقاله حاضر با استفاده از روش تحلیلی- توصیفی و با تکیه بر منابع کتابخانه ای و الکترونیکی ضمن بررسی ملاحظات امنیتی جمهوری اسلامی ایران در تقابل با گروهک داعش به بررسی حضور داعش در افغانستان و تاثیر بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است و در نهایت راهکارهای مبارزه با بروز چنین خطری ارائه می گردد. نویسنده از اتصال مفاهیم نسل نوین تروریسم و ژئوپلتیک انتقادی بهره می گیرد. هدف اصلی از تشکیل داعش و حضور آن در افغانستان مقابله با تحدید حوزه راهبردی و عمق استراتژیک ج.ا.ایران و محور مقاومت با استفاده از «ژئوپلتیک مستعد رشد تروریسم نسل نوین در افغانستان» است که توسط بازیگرانی چون آمریکا، عربستان سعودی، اسرائیل ... هدایت و رهبری می شود.

واژگان کلیدی: داعش، امنیت ملی، ژئوپلتیک انتقادی، تروریسم نوین، افغانستان

^۱ استادیار، عضو هیأت علمی دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه آزاد، واحد رفسنجان ali_bagherizadeh@yahoo.com

^۲ دانشجوی دکتری روابط بین الملل، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد رفسنجان

مقدمه

هرچند مفهوم امنیت بعنوان نیاز بشری، از دیرباز در اذهان و نوشته‌های فیلسوفان قدیم بگونه‌ای مطرح بوده است. واژه امنیت ملی به دنبال تشکیل دولت-ملت‌های مدرن بگونه‌ای گسترده وارد متون سیاسی و روابط بین‌الملل شده است. تداگر و سیمون امنیت ملی را در برگیرنده آن قسمت از سیاست دولت‌ها می‌دانند. که هدف آن ایجاد شرایط مطلوب سیاسی، در سطح ملی و بین‌المللی به منظور حفظ یا گسترش ارزش‌های حیاتی است (عسکری و دیگران، ۱۳۹۶: ۸۴). امنیت یک مفهوم پیچیده، مناقشه برانگیز و عمیقاً متأثر از ارزش‌هاست. مساله امنیتی زمانی به وجود می‌آید که فرد، گروه یا دولتی، استقلال یا جان دیگری را تهدید کند. در این بین داعش یا دولت اسلامی عراق و شام یکی از گروه‌های تروریستی است که در کشورهای عراق و سوریه شکل گرفته و هم اکنون بعنوان یکی از جدی‌ترین چالش‌های امنیتی منطقه خاورمیانه مطرح است. اقدامات این گروه تاثیر مستقیم بر امنیت جمهوری اسلامی ایران دارد. که در فاصله مکانی اندک نسبت به ظهور پدیده داعش قرار دارد. ظهور گروه تروریستی داعش تهدید علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است. امنیت ملی مهمترین اصل در بقاء و استقلال یک کشور یا یک واحد سیاسی است. بقاء وجودی هر کشور در حفظ تمامیت ارضی و استمرار حکومت آن تعریف می‌شود. اهمیت این موضوع به حدی است که تمامیت ارضی را پیش شرط تامین سایر اهداف ملی می‌دانند. بنیادگرایی داعش و اقدامات این گروه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را به دلیل هویت شیعی و غیر عرب در معرض تهدید قرار داده است (ذولفقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۲-۱۶۹). در سال ۲۰۰۴ میلادی تشکیل گروه جماعت توحید و جهاد به سرکردگی ابومصعب الزرقاوی در عراق اعلام شد و حاصل بیعت این گروه با اسامه بن لادن سرکرده سابق گروه القاعده این گروه را به شاخه سازمان القاعده در عراق تبدیل نمود (garges,2005: 105). این گروه با گسترش عملیات خود به یکی از قدرتمندترین گروه‌های تروریستی در عراق تبدیل شد، سپس با تشکیل یک گروه نظامی که در برگیرنده همه شبکه‌ها و تشکیلات بنیادگرا در عراق بود با نام دولت اسلامی عراق به ریاست ابوعمر البغدادی اعلام موجودیت کرد (barrett,2014: 45). با شروع شکست‌های پی در پی گروه تروریستی داعش در عراق و سوریه خبرهایی از تلاش برای انتقال گروه داعش به افغانستان زمزمه شد. بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای درصدد هستند با انتقال گروه داعش به افغانستان در همسایگی جمهوری اسلامی ایران تهدیدات جدیدی را علیه کشورمان ایجاد کنند. آنچه مسلم است حضور داعش در افغانستان و پتانسیل بالقوه داخلی این کشور برای رشد این گروه تروریستی تبعات ضد امنیتی زیادی را علیه جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند. سیستم‌های اطلاعاتی آمریکا و پول‌های عربستان سعودی بطور هماهنگ با هدف استفاده

ابزاری از تروریسم در راستای ایجاد مخاطرات ضدامنیتی علیه جمهوری اسلامی ایران در منطقه عمل می‌کنند (تاکید از نویسنده). واشنگتن در حال تنظیم صفوف برای انتقال عناصر داعش به افغانستان است. تروریست‌های داعش در حال تجدید قوای خود برای رفتن از سوریه و عراق به افغانستان هستند (خبرگزاری آوا، ۱۳۹۶). افغانستان یکی از همسایگان شرقی ایران است که مرزهای مشترک طولانی با آن دارد. بحران در افغانستان تأثیرات امنیتی زیادی بر ایران دارد. که مهمترین آنها گسترش ناامنی در منطقه است. و می‌تواند آسیب‌های امنیتی مهمی برای ایران ایجاد کند (غراوی، ۱۳۹۵: ۱۷۵). افغانستان از مهمترین کشورها با قابلیت جذب اعضای گروه داعش است. تشدید اقدامات علیه داعش در عراق و سوریه رهبران آن گروه و رهبران دیگر کشورها همسو با گروه داعش را به فکر انتقال آنها به داعش در افغانستان خطری جدی برای همسایگان است (موسوی، ۱۳۰۵). در کشور افغانستان مدارس زیادی وجود دارد که در زمینه تربیت تروریست فعالیت می‌کنند و از سوی عربستان سعودی، انگلیس و آمریکا حمایت می‌شوند. گروه داعش از سوی این کشورها بعنوان ابزاری برای اهداف تخریب کننده منطقه مورد استفاده قرار می‌گیرند. ژئوپلیتیک خاص کشور افغانستان هدف بالقوه جذاب و مستعدی برای حضور گسترده تکفیری‌های داعش در همسایگی کشورمان است. و متعاقباً تبعات زیادی را علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در پی دارد. در این مقاله به دنبال پاسخ به این سوال هستیم، که حضور داعش در افغانستان از منظر «ژئوپلیتیک انتقادی و نسل نوین تروریسم» چه تاثیری بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران دارد؟ فرضیه تحقیق بر این مبناست که حضور داعش در افغانستان با توجه به فضای ژئوپلیتیک مستعد رشد تروریسم و گفتمان نسل نوین تروریسم در ضدیت با شیعیان، تهدید جدی و فوری علیه امنیت ملی کشور است. به بیانی جامع‌تر استراتژی دفاع فعال و واقعگرایانه جمهوری اسلامی ایران نسبت به تهدیدات گروه تروریستی داعش در افغانستان از الزامات راهبردی در تامین امنیت منطقه‌ای است که در وحدت موضوعی با امنیت ملی کشور قرار دارد.

بر این اساس، فرضیه پژوهش این خواهد که حضور گروه داعش در افغانستان براساس مفاهیم تئوریک «نسل نوین تروریسم» و «ژئوپلیتیک انتقادی» تهدید مستقیم و عینی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. تحلیل و بسط این فرضیه «رشد تروریسم داعش فضای مستعد تروریسم افغانستان و گفتمان تروریسم نوین» در بخش دوم ارائه خواهد شد. در قسمت سوم مقاله بررسی تهدیدات داعش و در قسمت چهارم به حضور فعال و استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با هدف فرصت‌سازی مقابله با تهدید داعش در افغانستان، در راستای تایید فرضیه اصلی مقاله تحلیل و بررسی جامع صورت می‌گیرد.

۱- مفاهیم تئوریک

۱-۱- ژئوپلیتیک انتقادی

ژئوپلیتیک انتقادی از انشعابات اصلی نظریه نقد اجتماعی است که مسائل روابط بین‌الملل را مورد بررسی قرار می‌دهد. نگاه ژئوپلیتیک انتقادی قدرت و جغرافیا را از رویکرد نوع سنتی این نظریه متفاوت کرده است. ژئوپلیتیک انتقادی بیش از تکیه کردن بر تبیین نقش جغرافیا در شکل‌گیری سیاست خارجی دنبال کشف و تحلیل تصاویر ذهنی سیاستمداران هست. ژئوپلیتیک انتقادی به دنبال بررسی نقش عناصر گفتمانی است که نقش مهمی در نوع شناخت سیاستمداران دارد. در ادبیات ژئوپلیتیک انتقادی مکان جای خود را به فضا می‌دهد. و با ایجاد نوعی توسعه و اشتراک گفتمان هر نوع ایده‌ای که مبتنی و محدود به مکان باشد را نقد می‌کند. در ژئوپلیتیک انتقادی مرز رسمی میان بازیگران نقش پررنگی ندارد و استراتژی قدرت را بکارگیری فضا و گفتمان شکل می‌دهد. ژئوپلیتیک انتقادی سعی می‌کند علاوه بر تحلیل گفتمان رایج و مسلط ژئوپلیتیک مفاهیم و ایده‌های جدید را ارائه و بازتعریف نماید (مهریزی، ۱۳۹۴). ژئوپلیتیک انتقادی یک تاکتیک از علم است که بدون مفاهیم زیربنای سنتی کار می‌کند و از نوع سنتی ژئوپلیتیک متمایز شده است و از طریق مسائل میانی زیربنای ژئوپلیتیک را می‌سازد. در هر فضایی از سیاست جهانی یا چشم‌انداز آن حوزه ژئوپلیتیک انتقادی است که با شیوه‌هایی از دسته‌بندی فرضیات جغرافیایی در سیاست شکل می‌گیرد (dalby, 2008). ژئوپلیتیک انتقادی به جای فهم سمبلیسم از قدرت، گرایش به اغماض در مورد جنبه‌های اجتماعی، سیاسی و نمایش شکل گفتمان سیاسی مسلط دارد و عنوان می‌کند که جغرافیا صرفاً و تنها علم اشیاء در مکان و جایگاه‌ها نیست بنابراین به افکار انتقادی نزدیک می‌شود (احمدی‌پور و بدیعی، ۱۳۸۱: ۵). امری که در مطالعات روابط بین‌الملل بعنوان «ژئوپلیتیک انتقادی» یاد می‌شود فراتر از اهمیت فیزیکی، سرزمینی، موانع طبیعی، دریاها و غیره است. و اثربخشی جغرافیایی را بر عوامل انسانی و اجتماعی و ارزش دادن به اتصال تمدنی برای افزایش اعتبار قدرت ملی را مورد توجه قرار می‌دهد (برزگر، ۱۳۹۸). ژئوپلیتیک انتقادی راه خود را از ژئوپلیتیک سنتی جدا کرده و از چندین جنبه دیدگاه کاملاً متفاوت برخوردار است. محققین این رشته تمایل دارند که به جای تمرکز بر واقعیت عینی بر شناسایی ذهنی خود از جهان تاکید کنند که چگونه این بینش‌ها بر تفاسیر آنها از مکان‌های مختلف تاثیر می‌گذارد. ژئوپلیتیک انتقادی نه تنها در پی تحلیل گفتمان‌های مسلط ژئوپلیتیک است بلکه به دنبال شناسایی مفاهیم، ایده‌ها و جنبه‌های آلترناتیو می‌باشد. ژئوپلیتیک انتقادی مجموعه‌ای از فرضیات استراتژیک است که یک دولت براساس آن به تنظیم سیاست خارجی خود با دیگر کشورها می‌پردازد. که دربرگیرنده تعریف و علایقی آن دولت، شناسایی محذورات

خارجی آنها و ارائه یک پاسخ برنامه‌ریزی شده و توجیه‌پذیر برای مقابله با آن تهدیدات است. ژئوپلیتیک انتقادی از این استدلال ناشی می‌شود که رهبران کشورها و تصمیم‌گیران سیاسی صرفاً قرائت‌کننده منافع کشورشان یا معنای امور بین‌الملل از موقعیت جغرافیایی یا ساختارهای عینی تهدیدکننده کشورشان در نظام بین‌الملل، همانگونه که ژئوپلیتیک سنتی مطرح می‌کند نیستند. برعکس این تصمیم‌گیران سیاست خارجی هستند که مفهوم امور بین‌الملل و منافع کشور را در فرهنگ ژئوپلیتیک کشورهایشان می‌سازند. در اینجا فرهنگ ژئوپلیتیک را می‌توان به سنت‌ها و فرهنگ‌های تفسیری تعریف نمود که در آن یک کشور به هویت خود و رویارویی با کشورهای جهان معنا و مفهوم می‌دهد و مجموعه‌ای از استراتژی‌ها را برای مذاکره و رویارویی تدوین می‌کند (پیشگامی‌فرد و سلیمانی مقدم، ۱۳۸۸: ۱۱۲-۹۹).

۱-۲- گروه داعش نسل نوین تروریسم

نسل چهارم سلفی از جمله گروه دولت اسلامی داعش و دیگر گروه‌های تروریستی بزرگ و کوچک فعال در سوریه، عراق، یمن و لیبی عمدتاً مشیء ضدشیعی دارند و با دیگر فرق غیرسلفی تفاوت دارند. از این حیث به واقع می‌توان نسل چهارم سلفیه را دچار نوعی پوست‌اندازی و تغییر عمده نسبت به نسل‌های پیشین دانست. به دلیل اینکه شدیدترین فتاوا ضدشیعی متعلق به این نسل از سلفیه است. این نسل به نوعی سنتز^{۱۱} این تیمیه، محمد عبدالوهاب و شرایط زمانه است. برای همین به شدت به خشونت‌ورزی میل پیدا کرده است. مفهوم جهاد در این جریان، به معنای تعرض رادیکال، حرکتی غیردائمی و بدون قاعده است. به عبارتی دیگر نوسلفی‌ها حمایت‌کنندگان اصلی ترور جهانی هستند. جریان نوین تکفیر مقیاس توسعه میدانی را از غرب به سوی دولت‌های اسلامی، پیروان مذاهب و دیگر فرق اسلامی تغییر داده‌اند. تکفیری‌ها با انتساب مفهوم جاهلی به دولت‌ها و مذاهب اسلامی اتهام کفر را متوجه آنان و آنان را مرتد می‌دانند. گروه‌های تکفیری با چنین نگرش به مبارزه با شیعیان در کشورهای اسلامی روی آورده‌اند (یزدان‌پناه و جعفری، ۱۳۹۷: ۲۲۹). داعش رویکرد بسیار رادیکال‌تری در قبال شیعیان و جمهوری اسلامی ایران در مقایسه با القاعده دارد. فعالیت‌های این گروه توهین به اماکن و مقدسات شیعی است و برای جمهوری اسلامی ایران بعنوان پرچمدار مذهب خطر مذهبی و حیثیتی محسوب می‌شود. یورگنز مایر تروریسم نسل جدید را با داشتن اینگونه ویژگی‌هایی معرفی می‌کند که دارای رویکرد ضدنظام در نظم جدید قرن ۲۱ هستند که با حالتی بی‌معنا، بی‌هویت، مرموز و معماگونه به نظر می‌آید و بطور مکرر تصور غیرعلمی و رویاگرایی را با استفاده از علم بدیع، سخنرانی و نیز قدرت بیان در منطقه ترویج می‌کند. تروریسم نسل جدید را می‌توان بطور گسترده با سه

مولفه کاریزمای شخصیتی به شرح ذیل تعریف کرد. (۱) براساس تعصبات قومی، ملی، فرقه‌گرایانه و تمایزگونه؛ (۲) الهام بخشیدن یا القاء از طریق ارتقا بنیادگرایی افراطی؛ (۳) شیوع غیرمنتظره بگونه‌ای غیرقابل پیش‌بینی و عدم داشتن عمومیت (hattotawa, 1991: 4). داعش از جمله گروه‌های تروریستی است که با بهره‌گیری از فرآیند جهانی شدن توانسته است در منطقه خاورمیانه گسترش پیدا کند که در این حوزه دارای اهمیت فزاینده امنیتی است. تحول مفاهیم مسائل امنیتی منطقه خاورمیانه در حال چرخش از تهدیدات سنتی به تهدیدات نوین است و حتی مطالعات امنیتی را تحت تاثیر قرار داده است (حاتمی، ۱۳۹۶: ۸۶). داعش از همان آغاز با طرح بحث دشمن دور و دشمن نزدیک اولویت را به مبارزه با دیگر اندیشه‌های درون دینی متعارض با اندیشه نوسلفی داده است. از اینرو فقه تکفیر در این گروه پررنگ‌تر از دیگر بنیادگرایان و سلفیون مطرح و بروز کرده است (عباس‌زاده فتح‌آبادی و سبزی، ۱۳۹۴: ۶۶).

۳-۱- مفهوم گفتمان ژئوپلتیک

گفتمان ژئوپلتیک بگونه‌ای عمل می‌کند که ذهنیت را در راستای دوقطبی‌سازی «من» و «ما» سامان می‌دهد. براساس این ذهنیت دوگانه تمام رفتارها و کردارهای سوژه بگونه‌ای دوگانه شکل می‌گیرد و عمل می‌کند. و تمامی پدیده‌ها را در قالب «ما و آنها» قرار می‌دهد. و این دوگانگی به صورت برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی در کردار و گفتار آنها نمایان می‌شود. بنابراین هویت‌یابی بواسطه غیرت‌سازی و غیرت‌ها به کمک برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی شکل می‌گیرد که خود شیوه‌ای برای حفظ و استمرار قدرت است. برجسته‌سازی سازوکاری است که گفتمان‌های ژئوپلتیکی توسط آن «قوت‌های» خود را برجسته می‌کنند و ضعف‌های خود را به حاشیه می‌برند و برعکس قوت‌های غیر یا دشمن را به حاشیه می‌رانند و ضعف‌های او را برجسته می‌کنند. گفتمان‌ها همواره از طریق دشمن‌سازی هویت پیدا می‌کنند. به عبارتی دیگر هر گفتمان ژئوپلتیک به منظور هویت یافتن به ناچار برای خود دشمن تولید می‌کنند. البته گاهی گفتمان‌ها بیش از یک غیر دارند. و از مجموعه‌ای از غیرها برای هویت‌یابی در شرایط مختلف استفاده می‌کنند (افضلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۵۸۳).

۲- گفتمان غیرت‌سازی داعش

ابومصعب زرقاوی از رهبران داعش بر این عقیده است. که مردم کشورهای اسلامی به دلیل غوطه‌ور شدن در جهل و دوری از حکام اسلام در جامعه جاهلی بسر می‌برند. از نظر او جامعه جاهلی یعنی عبودیت غیر خدا به جای عبودیت خداوند و تشریح احکامی که به دست خود آن را جعل کرده‌اند. در جاهلیت کنونی تشریح به دست بشر صورت می‌گیرد. تفاوت جامعه جاهلی زرقاوی با دیگر گروه‌های افراطی گذشته، همچون القاعده

که غرب و آمریکا را جامعه جاهلی می‌دانستند. در این است که جامعه جاهلی زرقاوی، شیعیان و هر فردی که با شیعیان هم‌نوا باشد را شامل می‌شود. بغدادی در نماز جمعه در سخنرانی خود اعلام کرد جهان امروز به دو اردوگاه ایمان و کفر تقسیم شده است. از دید داعش کفر یکی از مصادیق جاهلیت جوامع معاصر امروز است (حیدری و نخعی: ۱۳۹۷: ۹۱۱-۹۱۰). ایدئولوژی جنگ‌های جدید متأثر از مذهب و هویت است. داعش با ایدئولوژی مذهبی-تکفیری جنگ خود را مقدس می‌داند. نشریه دابق نام این گروه را از محلی در سوریه می‌گیرد که نماد محل جنگ خیر و شر است (سلطانی گیشینی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۱). ابومحمد العدنانی می‌گوید: شیعیان بزرگترین تهدید علیه اهل سنت هست و لذا جنگ بر علیه شیعیان یک ارجحیت است (حاتمی، ۱۳۹۸: ۶۹). وقتی داعش به قدرت رسید هدف اساسی آن مبارزه با شیعیان بعنوان دشمن نزدیک به شکل مستقیم و چشم‌پوشی از آمریکا و غرب بود. زرقاوی بعنوان رهبر کاریزمای داعش دشمن اول خود را شیعیان نامید. شیعه را خائن و منافق نامید و کشتن آنان را جایز شمرد.

مفاهیم فضا، قدرت و هویت در فرآیند قلمروسازی گفتمانی از ماهیت خاصی برخوردار بوده است. و از تقابل‌های «برساختگی اجتماعی»، دوتایی ما و آنها، فرمانبردار و فرمانروا و غیره ... برای تولید قدرت، فضا و هویت بهره می‌گیرد (افضلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۳۲). دقیقاً در قلمرو گفتمانی این موضوع هست که چگونه اندیشه‌ها و مفروضات ژئوپلتیک با مفصل‌بندی گفتمان‌های خاص که دارای پیامدهای ژئوپلتیکی، هویتی و سرزمینی هستند را به منصفه بروز می‌رساند (حاتمی، پیشین: ۷۱). قلمرو گفتمانی فرآیندی هست که برمبنای آن، افراد، گروه‌ها یا کشورهای مسلط بر کنترل و مدیریت فضای جغرافیایی در راستای نظم گفتمانی و ژئوپلتیک مطلوب خود گفتمانی را تولید می‌کنند که در آن از اعمال قدرت صرف یا مستقیم برای کنترل فضا فراتر می‌روند با این تعریف قلمرو گفتمان‌سازی شامل روابط عملی میان فضا، قدرت و هویت است. هرکدام از این سه مولفه به پدیده پیچیده اجتماعی اشاره دارند که در بستر آن معنا می‌یابند. ترکیب و برآیند این سه مولفه گفتمان را به نمایش می‌گذارد (افضلی و دیگران، پیشین: ۵۷۸). حضور گروه داعش در افغانستان و جهت‌گیری ایدئولوژیک ضدشیعی نسل جدید تروریسم را می‌توان در راستای قلمروسازی و پیوند سه مولفه قدرت، فضا و هویت را می‌توان سه نمونه موردی در رابطه با تبدیل ذهنیت قلمرو گفتمانی به عینیت قلمرو گفتمانی ذکر کرد. تلاش داعش در تشکیل حکومت در افغانستان بعنوان مولفه قدرت، محیط ژئوپلتیک افغانستان بعنوان فضا، داعش نوع نسل نوین تروریسم بعنوان گفتمان هویت، ترکیب سه مولفه ذهنی و عینی مذکور را می‌توان قلمرو جدید گفتمانی داعش در افغانستان و تهدید فوری علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نامید.

۳- فضای مستعد رشد تروریسم نوین در افغانستان

تروریسم نشأت گرفته از افغانستان حاصل تضادهای ایدئولوژیک، قومی، قبیله‌ای و اوضاع نابسامان داخلی و حضور خارجی است (توحید فام و پایدار، ۱۳۹۰: ۹۰). در افغانستان زمینه‌های زیادی از جمله بی‌سوادی برای حضور داعش مهیاست. در هر حال افغانستان مناطقی هستند که عمدتاً مردم فقیر در آن زندگی می‌کنند. این امر بستری برای حضور هرگونه گروه که امکانات مالی دارد و می‌تواند از این امکانات در جهت نفوذ استفاده کند فراهم می‌کند. داعش امکانات مالی خوبی در اختیار دارد. یعنی باتوجه به اینکه منابعی از نفت عراق و سوریه را تصرف کرده است این امکان وجود دارد که با فروش ارزان این منابع از طریق قاچاق منابع مالی گسترده‌ای بدست آورد. این بخشی از امکانات داعش است. و ممکن است امکانات دیگری از بیرون دریافت کند. در واقع داعش یک گروه جهان وطنی است، جهانی فکر می‌کند و افغانستان را بخشی از آن دنیایی که در سر دارد می‌داند (ملازهی، ۱۳۹۴). جامعه افغانستان به دلیل تنوع و تمایزات قومی و ضعف اقتدار مرکزی در موقعیتی شبیه وضعیت هرج و مرج طلبانه به سر می‌برد. تبعیض و تمایزات قومی حاکم بر جامع سنتی افغانستان را به برانداری حکومت و اقتدار مرکزی تشویق می‌کند. بی‌عدالتی و نابرابری‌های موجود رهبران اکثریت مردم را به اجرای قوانین شریعت برای تمام مردم افغانستان به صورت برابر سوق می‌دهد. بنیادگرایان اسلامی ترویج ایدئولوژی رادیکال را در میان جامعه بعنوان ابزاری مورد استفاده قرار می‌دهند. کشور افغانستان همواره آبستن چالش‌های سیاسی و ژئوپلیتیکی مهمی در طول تاریخ بوده است. فقدان دولت مرکزی قدرتمند جایگاه ژئوپلیتیک حساس گروه‌های تروریستی را تحریک به حضور در این کشور کرده است. این عوامل اخیراً تحریک و طمع رهبران داعش را به حضور نظامی در این کشور بیشتر کرده است. بخصوص آنکه زعمای گروه تروریستی داعش افغانستان را سرزمین مادری خود می‌دانند (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۵: ۱۷۶). افغانستان سرچشمه اصلی و اولیه رشد بنیادگرایی اسلامی پیکارجو است. وجود ناکارآمدی سیاسی و اقتصادی دولت‌های منطقه یکی از عوامل اصلی اقبال گسترده نسبت به اسلام‌گرایان تندرو-تکفیری بوده است. افغانستان فاقد یک دولت مرکزی برای تامین امنیت مرزهاست. جغرافیا نقش اساسی در ضعف ساختاری این کشور و نقش تعیین کننده در بقاء داعش داشته است. همواره در افغانستان نشانه‌هایی از بحران، بی‌ثباتی و عدم تعادل سیاسی وجود داشته که کانون فعالیت آینده داعش بحساب می‌آیند (جمشیدی و محسنی، ۱۳۹۷: ۱۸۹).

۴- حضور تدریجی داعش در افغانستان

داعش زمانی که موصل را تصرف کرد و خلافت‌اش توسط «بوبکر البغدادی» رسماً اعلام شد، دو سناریو در دستورکار این گروهک تروریستی قرار گرفت. نخست نفوذ در خاورمیانه و بطور مشخص عراق و سوریه و گسترش آن به شمال آفریقا و دوم سناریوی «تشکیل خراسان بزرگ» که از آن بعنوان «ولایت خراسان» یاد می‌شود. بخش خراسانی خلافت که توسط داعش نمایان شد، در اصل بخش شرقی این خلافت است که زمانی توسط خلفای راشدین مطرح شده بود. این جغرافیا گستره‌ای متشکل از قفقاز، چچن، داغستان، ایالت سین کیانگ چین، شمال هند، کشمیر، بنگلادش، افغانستان، پاکستان، ایران، مالزی، اندونزی، میانمار و حتی فلیپین را شامل می‌شود که امروزه شاهد هستیم در برخی از این نقاط داعش حضور فعال دارد (اسماعیل‌زاده امامقلی، ۱۳۹۵). داعش علیرغم تلاش برای نیرو بخشیدن به پیکارجویان خسته از نبرد، برای ساخت یک پایگاه سیاسی گسترده و پشتیبانی بومی که در افغانستان توقع داشت با سختی‌هایی مواجه بود. داعش اما در عمل همه گروه‌های بنیادگرا از جمله طالبان افغانستان، را با خود دشمن کرد (نبوی، ۱۳۹۳). داعش در نیمه اول سال ۲۰۱۵ موفق شد کنترل مناطق بزرگی از سرزمین‌های شرق ولایت ننگرهار را در دست بگیرد. این منطقه عملاً به دو دلیل عمده به "مرکز" داعش در افغانستان تبدیل شد: یکی به دلیل نزدیکی‌اش به مناطق قبیله‌نشین پاکستان (فتا) و خانه رهبران اصلی خراسان داعش، دیگری به خاطر حضور برخی از افرادی که همانند داعش از قرائت سلفی/وهابی مشابهی از اسلام پیروی می‌کنند. در این مدت عوامل داعش در میان اقشار سنتی و مذهبی، خصوصاً گروه طالبان، تبلیغ کرده و افراد زیادی را به صفوف خود جلب کرده‌اند. با اینکه این فعالیت‌ها در ابتدا پنهان و در پوشش گروه‌های مسلح غیرمسئول پاکستانی صورت گرفتند و در مواردی نیز با بروز نشانه‌ها فعالیت‌های سازمان‌یافته داعش از سوی رسانه‌ها بازتاب داده شدند. اما حکومت افغانستان به این واقعیت‌ها اعتنایی نکرد. نهادهای امنیتی فعالیت‌های دهشت‌افگانه این گروه را پیوسته به طالبان و دیگر گروه‌های مخالف مسلح دولت نسبت دادند (ابراهیم‌نژاد، ۱۳۹۳). افغانستان به دلایل مختلف می‌تواند برای این گروه بستر خوبی برای سربازگیری و تبلیغات مذهبی باشد. ساختار شدیداً سنتی جامعه، بی‌سوادی و نگرش‌های تندروانه مذهبی در افغانستان، زمینه خوبی برای نفوذ تفکر افراطی و تکفیری است و گروه‌های تروریستی همواره و در همه‌جا همین نقطه را نشانه گرفته‌اند. تمامی گروه‌های تروریستی که تاکنون در افغانستان و منطقه تجربه شده، از همین جا شروع کرده و با سوءاستفاده از آموزه‌های دینی و مذهبی، برنامه‌های سیاسی و استخباراتی خود را به پیش برده‌اند. اکنون نیز این خطر به صورت جدی وجود دارد که عوامل گروه تروریستی داعش در میان مردم نفوذ کرده و از باورهای سنتی و مذهبی آنها سوءاستفاده کنند

و از آن برای اهداف و برنامه‌های سیاسی و تروریستی‌شان سود ببرند. تروریست‌هایی که سرویس امنیتی اطلاعاتی آمریکا، اسرائیل و انگلیس آنها را به راه انداخته‌اند. هم اکنون اطلاعات دقیقی داریم که آمریکایی‌ها تروریست‌های داعش را به افغانستان منتقل می‌کنند.

۵- ژئوپلیتیک تهدیدساز افغانستان علیه امنیت ملی ج.ا.ایران

بنابه منطبق ژئوپلیتیکی تلاش جمهوری اسلامی ایران همواره بر این بوده که افغانستان به یک تهدید امنیتی تبدیل نشود (عباسی، ۱۳۹۰: ۱۸۹). ظهور داعش در افغانستان تهدیدات امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در مرزهای شرقی خود و نیز تهدید منافع جمهوری اسلامی ایران در افغانستان را دوچندان کرده است. هم مرز بودن افغانستان با جمهوری اسلامی ایران دارای تهدیدات بالای امنیتی برای منافع و امنیت ملی کشور است (لطفی، ۱۳۹۴: ۶۶-۶۵). ژئوپلیتیک تبعات زیادی برای امنیت ملی کشور دارد. با شیوع وهابیت و گسترش ضدیت با شیعیان تهدیدات بیشتر شده‌اند، اکنون هزاران مدرسه در افغانستان وجود دارد و طلابی را پرورش می‌دهند که برای تامین منافع خود از جان گذشته‌اند (فرجی‌راد و دیگران، ۱۳۹۰: ۱۲۷). مناسبات جمهوری اسلامی ایران و افغانستان در صورت به قدرت رسیدن بنیادگرایان سنی تا حد آشکار شدن نوعی رقابت دنبال خواهد شد. و دامنه بحران‌های ایدئولوژیکی، قومیتی، هویتی آنها و حتی بین‌المللی افغانستان به ایران نیز سرایت خواهد کرد. واکنش جمهوری اسلامی ایران به افغانستان در طی یک قرن اخیر دارای ماهیت ژئوپلیتیکی بوده است. بنابراین در حال حاضر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران حمایت از یک دولت عرفی در افغانستان را اقتضا می‌کند (عباسی، ۱۳۹۰: ۲۱۲).

انگیزه اکثر گروه‌های تروریستی در جغرافیای خاورمیانه ارائه قرائتی متفاوت از دین یا همان اسلام سیاسی افراطی سنی بوده است. و از آنجا که خاورمیانه مهد اسلام و دیگر ادیان توحیدی است. همانطور که استفن واینبرگ یادآور می‌شود. دین بیشترین تاثیر را بعنوان امر معنایی و غیرمادی در عوامل تروریستی دارد. زیرا بطور کلی جنبش‌های ایدئولوژیکی بیشتر از ابزار ترور و حذف دیگری استفاده می‌کند. خاورمیانه و تروریسم را می‌توان مترادف با کارکردهای جغرافیای انسانی و جغرافیای مقدسه آن دانست. و همین نکته بر راه‌های شناخت گسترش دامنه‌های فعالیت تروریستی به منظور سرکوب آنها در جهت امنیت جغرافیای خاورمیانه و دیگر نقاط جهان تاکید می‌کند. از آنجا که مطالعه نوع عملکرد و نوع ابزارهایی که گروه تکفیری داعش برای دستیابی به قدرت از طریق قلمروسازی و اعمال قدرت به وسیله فن جغرافیایی و قلمرو بکار می‌گیرد از نوع مطالعات ژئوپلیتیکی است (یزدان‌پناه و جعفری، پیشین: ۲۲۳-۲۲۲). به بیانی دیگر محیط ژئوپلیتیکی پیراوان

جمهوری اسلامی ایران بدلیل وجود هویت‌های متکثر و متعارض در منطقه خاورمیانه نسبت به گفتمان هویتی جمهوری اسلامی ایران همواره بستر ساز زایش تهدیدات تروریستی علیه شیعیان و کشور است. تبعاً وجود گروه تروریستی داعش در افغانستان هزینه امنیتی زیادی را به کشور تحمیل می‌کند و متعاقباً مبارزه با گفتمان ژئوپلیتیکی نسل نوین تروریسم «داعش» از الزامات امنیت ملی کشور است.

۶- طرح تحلیل ذهنی و عینی امنیت

یکی از اولویت‌های کشورها برقراری نظم و امنیت است امنیت دارای دو بعد (احساس امنیت) و عینی است. یکی از پیش شرط‌های امنیت در جامعه وجود احساس امنیت است. این سطوح باهم در ارتباطند و از هر یک کنش این دو سطح است که امنیت حاصل می‌شود (گودرزی و دیگران، ۱۳۹۴: ۲۲۰-۲۱۹). جان هرگز امنیت را مفهومی محوری برای نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل می‌داند و بر این باور است که قبل از تفکر درباره هر چیز دیگری ابتدا بایستی درباره چگونگی بقا و تأمین امنیت بیاندیشیم. بطور کلی در نظریه‌پردازی روابط بین‌الملل دو نگاه متفاوت نسبت به امنیت وجود دارد. نگاه اول مربوط به جریان اصلی روابط بین‌الملل شامل دیدگاه‌های واقع‌گرا و لیبرال بعنوان جریان اصلی مطالعات سنتی این رشته به این مفهوم وجود دارد. که از این منظر امنیت بعنوان یک موضوع تک‌بعدی در نظر گرفته می‌شود. که فقط شامل امنیت نظامی، فیزیکی و یا مادی است. نگاه دوم مربوط به جریان غیراصولی نظریه‌پردازی در روابط بین‌الملل بعنوان جریان معناگرایی در این رشته است. که با تأکید بر امور معنایی در روابط بین‌الملل همچون قواعد، هنجارها، گفتمان، هویت، فرهنگ بر امنیت هویتی و یا امنیت هستی‌شناسانه به جای امنیت فیزیکی تأکید می‌کند. در همین زمینه سازه‌انگاران در حوزه امنیت مفهوم تهدید عینی را باطل می‌شمارند و تهدیدها را هویتی و ارزشی قلمداد می‌کنند. چنانچه، استیل بر این باور است که امنیت فیزیکی برای دولت‌ها مهم است. ولی امنیت وجودی مهمتر است (رسولی ثانی‌آبادی، ۱۳۹۷: ۵۱۰). امنیت ملی ابعاد مختلفی چون بعد سیاسی، نظامی و اجتماعی دارد. باتوجه به تعریف هویت داعش بعنوان دشمن شیعیان و همچنین حضور در حوزه قلمروی افغانستان، حضور و قدرت‌گیری داعش را می‌توان به نوعی تهدید عینی-ذهنی نامید که تهدید «شیعیان و مرزهای فیزیکی کشور توسط این گروه تروریستی» از نوع دوگانه معنایی و هستی‌شناسانه علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران است.

۷- استراتژی امنیت‌سازی ایران در ژئوپلتیک پیرامونی

امنیت‌سازی را می‌توان یکی از دغدغه‌های دائمی نظریه‌پردازان روابط بین‌الملل دانست. نظریه اهمیت امنیت در ساختار نظام بین‌الملل، منطقه خاورمیانه را باید یکی از مناطقی دانست. که رویکردهای امنیتی در آن از اهمیت قابل ملاحظه‌ای برخوردار است. اما شواهد و قرائن نشان می‌دهد که رویکردهای امنیتی و روند برقراری آن در این منطقه با ثبات همراه نبوده است. و بحث امنیت‌سازی همواره از دغدغه اصلی این حوزه جغرافیایی بوده است. وجود این عوامل چون موقعیت ژئوپلتیک خاورمیانه، منابع عظیم انرژی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی جمهوری اسلامی ایران، افراط‌گرایی، تنش‌های قومی و فرقه‌ای، تروریسم، دولت‌های ضعیف و شکننده و عدم اعتماد بین بازیگران می‌توان اشاره کرد (آذرشب و مومنی، ۱۳۹۶: ۱۴۹).

جمهوری اسلامی ایران در تهیه و تنظیم استراتژی کلان و ملی تا آنجا که به محیط استراتژیک بیرونی مربوط می‌شود. به ناچار باید سه واقعیت محوری را بپذیرد. (۱) تراکم تهدیدهای پیرامونی؛ (۲) مرزهای کنترل‌ناپذیر؛ (۳) فقدان چتر حمایت بین‌الملل، زیرا این واقعیت‌ها در درازمدت بر امنیت و تمامیت ارضی کشور ایران تأثیرات گسترده‌ای به جای می‌گذارد. این جایگاه خاص و رویکردهای سلبی و ایجابی در ادوار مناسبات ژئوپلتیکی همواره حاکی از مشکلات و مسائل عدیده بر سیاست خارجی ایران بوده است (عباسی سمنانی، ۱۳۹۷: ۹۹۰). عدم شکل‌گیری نظام امنیتی فراگیر و پایدار و تداوم ناامنی و بی‌ثباتی در عرصه خاورمیانه با عوامل متعددی در ارتباط است. تقویت حضور قدرت فرامنطقه‌ای در محیط پیرامونی، افراط‌گرایی، تنش‌های فرقه‌ای و تروریسم، این عوامل امنیت در محیط پیرامونی ایران را به معمای امنیتی تبدیل کرده است. سیاست تسلیحاتی و امنیتی هر کشور نیز واکنش به تهدیدات محیط امنیتی و تهدیدات منطقه‌ای است. بحران‌های امنیتی صرفاً از طریق تهدید مستقیم نظامی کشورها را تحت تأثیر قرار نمی‌دهند. بلکه می‌توانند اشکال بسیار متنوعی داشته باشند. ظهور داعش در سوریه و عراق یکی از بحران‌های امنیتی در منطقه و تهدید علیه انسجام کشورهای منطقه است (خبرگزاری فارس، ۱۳۹۶). مجموعه این عوامل باعث شده است که راهبردی پیرامونی جمهوری اسلامی ایران در حوزه راهبردی همواره به سمت امنیت‌سازی گرایش پیدا کند.

۱۸

۸- دیدگاه غالب و مسلط جمهوری اسلامی ایران درباره داعش

شکل‌گیری تهدیدات امنیتی علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران باعث افزایش نقش و ارتقا «ارتش و سپاه» در فرآیند و ساختار تصمیم‌گیری خارجی شده است. و همواره اولویت سیاست خارجی مقابله با تهدیدات، تامین امنیت و دفاع از موجودیت کشور بوده است. بحرانی شدن محیط پیرامونی کشور تامین

امنیت و دفاع را کماکان در کانون سیاست خارجی حفظ کرد. در نگاه نخبگان سیاسی-امنیتی ایران یک رابطه مستقیم بین قدرت ملی جمهوری اسلامی ایران و حفظ جایگاه کشور در توازن قوای منطقه‌ای وجود دارد. این مساله به لحاظ بهره‌برداری از امتیاز ژئوپلیتیک ایران در منطقه با هدف دفع تهدیدات متقارن و نامتقارن (داعش و القاعده) بوده است. استراتژی جمهوری اسلامی ایران بازدارندگی به منظور پیشگیری از تهدیدات مستقیم جریان‌های تروریستی ضد امنیت ملی کشور است (برزگر، ۱۳۹۷: ۱۸۴). جمهوری اسلامی ایران به لحاظ راهبردی کشوری است که در هیچ ائتلافی مهمی عضویت ندارد. در نتیجه خود را در بطور جدی در محاصره انواع پایگاه‌های نظامی و در مقابل معمای پیچیده امنیتی می‌بیند. ظهور و گسترش حجم وسیعی از بحران و آشوب مرزهای کشور را فرا گرفته است. گسترش جریانات تروریستی مخالف شیعه همچون داعش جبهه النصره و احرارالشام آتش فتنه‌ای را در خاورمیانه روشن کرده است. که عوارض وحشتناک آن خونریزی و ... را به نمایش گذاشته است. این روند با سیاست‌های جاری قدرت‌های جهانی و منطقه‌ای نیز مهار شدنی نیست.

مقام معظم رهبری در دیدار اقشار مختلف مردم به مناسبت عید سعید غدیر (۲۱ مهر ۹۳) در اینباره فرمودند: «نظام جمهوری اسلامی، انقلاب بزرگ ما، امام عظیم‌الشأن ما توانست تفکرات دنیای اسلام را متوجه خود بکند، به انگیزه‌های آنها و به حرکات آنها جهت‌دهی بکند. این دشمن را ترساند، و به همان سلاح قدیمی متوسل شدند که سلاح "اختلاف‌افکنی" است. این سیاست استعمار است که اختلاف بین شیعه و سنی را هرچه بیشتر دامن بزنند، برای اینکه ذهن دو طرف را از دشمن اصلی منحرف بکنند. متخصص این سیاست هم دستگاه‌های سیاسی و امنیتی دولت انگلیس خبیث است که از دیرباز، در این زمینه فعال بودند ... این جریان تکفیر این چیزی که در عراق و سوریه و در برخی از کشورهای دیگر منطقه بروز کرده و در واقع با همه مسلمانان مواجه‌اند، نه فقط با شیعه، ساخته دست خود استعمارگران است. اینها چیزی به نام القاعده، چیزی به نام داعش درست کردند برای مقابله با جمهوری اسلامی، برای مقابله با حرکت بیداری اسلامی، منتها دامن خودشان را گرفته است. امروز اتحاد اسلامی، برادری اسلامی، همبستگی اسلامی، یکی از لازم‌ترین و واجب‌ترین وظایف همه جوامع اسلامی است و بایستی همه به این وظیفه ملتزم باشیم (مقام معظم رهبری).

۹- تهدیدات داعش علیه جمهوری اسلامی ایران

مهمترین، حیاتی‌ترین و فوری‌ترین هدف سیاست خارجی هر کشور حفظ وضع موجود و تامین امنیت ملی آن کشور است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست، و ناگزیر از تامین امنیت ملی و

صیانت از مرزهای سرزمین خویش است. در واقع حفظ امنیت ملی هر کشوری از منافع وجودی آن کشور است. و در صورت تهدید موجودیت‌اش نیز تهدید می‌شود. در واقع ایدئولوژی داعش با «غیرت‌سازی» جمهوری اسلامی ایران و سایر قرائت‌های اسلامی مخالف به جای غیرت‌سازی غرب و اسرائیل نشان داد که بطور عمده ضدشيعی و ضداسلامی است تا ضدغرب و بطورجدی ضد جمهوری اسلامی ایران است (رضایی و موسوی جشني، ۱۳۹۶: ۱۵۳-۱۵۲). با مفروض قرار دادن دشمنی داعش با شیعیان، داعش به دلیل توان اشاعه افکار افراطی در میان بخش‌هایی از جامعه ایران، تهدید علیه امنیت ملی ایران محسوب می‌شود (ذوافقاری و عمرانی، ۱۳۹۶: ۱۷۰). افغانستان با توجه به توان بالقوه در ظهور گروه‌های وابسته به داعش در این کشور با تهدیدات جدی روبروست. ظهور داعش منافع ایران در افغانستان را با چالش مواجه ساخته است. افزایش عملیات داعش در افغانستان منجر به نگرانی‌های زیادی بین مقامات ایرانی شده است. گروه داعش از طریق فرایند گفتمان امنیتی شده و کنش گفتاری (غیرمشروع جلوه دادن دولت) توانسته با جلب اذهان عمومی پایگاه‌های خود را افزایش دهد. و بر ناامنی داخلی و مرزی این کشور بیافزاید. افزایش هواداران داعش در افغانستان در راستای مصالح امنیتی جمهوری اسلامی ایران نیست (فروزه‌پور و یوسف‌زهی، ۱۳۹۶: ۱۸۷).

۲۰ ۹-۱- تهدید گستره ژئوپلیتیک شیعیان

ژئوپلیتیک شیعه در واقع امتداد جغرافیای سیاسی شیعه در کشورهای مختلف خاورمیانه بزرگ یا هارتلند ایران است (باهوش فارقدنی، ۱۳۹۶). ژئوپلیتیک شیعه از دیالکتیک دو گفتمان سلطه و مقاومت از یکسو عدالت انتقادی بازنمایی هویت فردی-جمعی شیعیان در اظهار نارضایتی از شرایط موجود و تلاش در تبدیل آن به وضع مطلوب و از سوی دیگر نقطه‌ای گفتمانی در ژئوپلیتیک مسلط برای حفظ شرایط موجود در توازن قدرت در خاورمیانه است (احمدی، ۱۳۹۷: ۶۶). این نقش‌آفرینی با ارتباط یافتن شیعه با ساختار قدرت با ترکیب سه مولفه جغرافیا، سیاست و قدرت مفهومی به نام ژئوپلیتیک شیعه را شکل می‌دهد (همان، ۷۳). داعش برخاسته از نظام فکری وهابیت است. که با نابودی ادیان و مذاهب دیگر به غیر از وهابیت، نظیر مسیحیان و شیعیان و از جمله شیعیان ایران معتقد است. از اینرو تحکیم موقعیت داعش از دو جنبه می‌تواند برای جمهوری اسلامی ایران تهدید ایجاد کند. اولین تهدید امنیتی است اگر واقعا تهدید نابودی رژیم شیعه در عراق به وقوع بپیوندد جمهوری اسلامی ایران وارد جنگ خواهد شد. در این صورت نیروهای سنی در حال رقابت با یکدیگر احتمالا علیه کشورمان متحد خواهند شد. تقویت گروه‌های سنی که تحت کنترل قطر و عربستان سعودی هستند موجب ایجاد تهدید جدی علیه امنیت ملی ایران خواهد شد. تحکیم موقعیت داعش در عراق و استان‌های بزرگ سوریه، محور سنی دائما در حال تفرقه در ژئوپلیتیک شیعه است. در این صورت

برای کشورهای دارای جمعیت شیعه نظیر لبنان، سوریه، عراق، بحرین، افغانستان مشکلات امنیتی گسترده می‌آفریند. در همین زمینه جمهوری اسلامی ایران به کمک نیروهای ضد داعش پرداخته است (جمشیدی و داوند، ۱۳۹۸: ۶۶). اولین پیامد سیطره داعش بر افغانستان این است که داعش اقوام را مجبور خواهد کرد احکام سخت‌گیرانه را اجرا کنند. این وضعیت برای شیعیان بدتر خواهد بود. زیرا داعش با داشتن نگرش‌های فرقه‌گرایانه و به شدت آنها را تکفیر می‌کند (اسماعیل‌زاده و مصباح‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۱۱).

۹-۲- تهدید مرزها و تمامیت ارضی جمهوری اسلامی ایران

بانیان شکل‌گیری داعش به دنبال مکانی جدید برای اسباب‌کشی تروریست‌ها و حتی تکثیر آنها هستند. افغانستان بستر مناسبی برای این اقدام به لحاظ عدم قدرت دولت مرکزی است. تروریست‌های تکفیری با توجه به فضایی که ایجاد شده روی مرزهای شرقی جمهوری اسلامی ایران هدف‌گذاری کرده‌اند. و قطعاً محاسبات مورد نیاز این توطئه از جانب آمریکا انجام شده است. همسایگی با کشورهای دیگر زمانی خود را بعنوان اصلی‌ترین عامل تهدید امنیتی نشان می‌دهد که بدانیم کشوری که دارای مرزهای سرزمینی بسیاری با کشور ماست، دچار تغییرات امنیتی است و موجودیت نظام‌اش به خطر افتاده است و مجالی برای گسترش و افزایش ترد گروه‌های تروریستی فراهم آورده است (آدمی و کشاورز مقدم، ۱۳۹۴: ۶). نزدیک شدن این گروه تروریستی^{۲۱} به مرزهای جمهوری اسلامی ایران از طرف کشور افغانستان می‌تواند پیامدهای امنیتی برای کشور در برداشته باشد. این موضوع به ویژه در صورت دستیابی این گروه به سلاح‌های میانبرد ابعاد جدی‌تری خواهد یافت (ذوالفقاری، ۱۳۹۳).

۹-۳- طرح و اجرای عملیات تروریستی در داخل ایران

تلاش داعش جهت تصرف و سقوط دولت عراق با ناامن کردن مرزها و فراهم کردن زمینه قاچاق تسلیحات نظامی به داخل کشور و نیز پشتیبانی و اعزام گروه‌های تروریستی می‌تواند چالشی بزرگ را در پی داشته باشد. انگیزه و تلاش رهبران داعش برای انجام عملیات‌های تروریستی در ایران از اعلامیه‌های صادر شده از طرف آنها قابل فهم است. مهمترین اقدام در این زمینه در آذر ماه ۱۳۹۴ اتفاق افتاد که چهار عروسک بمب‌گذاری شده توسط زائران کربلا به ایران وارد شد که با آگاهی دستگاه‌های امنیتی این توطئه شناسایی و خنثی شد. حملات خرداد ۱۳۹۶ تهران به حملات تروریستی داعش به ساختمان مجلس شورای اسلامی و حرم امام خمینی (ره) در ۱۷ خرداد ۱۳۹۶ در تهران اشاره دارد که در نتیجه آن ۱۷ نفر شهید شدند و ۵ مهاجم نیز کشته و حدود ۵۲ نفر زخمی شدند. این حملات حدود ساعت ۱۰:۳۰ با حمله به ساختمان مجلس

آغاز شد. گروه دوم حدود ساعت ۱۰:۴۰ وارد حرم امام خمینی(ره) شدند. این حملات نخستین حمله داعش در خاک ایران بود و اولین حمله تروریستی در تهران در بیش از یک دهه و نخستین حمله بزرگ در کشور ایران از زمان بمب‌گذاری ۱۳۸۹ در زاهدان محسوب می‌شود. در این عملیات نیروهای سپاه، ناجا و نیروهای امنیتی به مقابله با افراد مسلح که عضو داعش بودند، پرداختند. در فاصله چند روز بعد از این اقدام تروریستی سپاه پاسداران ایران برای انتقام این حملات در ۲۹ خرداد ۱۳۹۶ مواضع داعش در استان دیرالزور، واقع در شرق سوریه را هدف حمله موشکی قرار داد (صابر، ۱۳۹۴).

۹-۴- کاهش حوزه عمق راهبردی

عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران به کابوسی برای غربی‌ها و متحدان منطقه‌ای آنها تبدیل شده و داعش برای مقابله با چنین کابوسی آفریده شده است. کاهش عمق استراتژیک در منطقه مهمترین تهدیدی است که شرایط فوق برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند و می‌تواند به شدت منافع و امنیت ملی را تحت تاثیر قرار دهد (امیری و شهرام‌نیا، ۱۳۹۴: ۱۴۲). جریان‌های داعش و النصره می‌توانند یک جنگ مذهبی را در منطقه به وجود بیاورند. کاهش عمق و نفوذ استراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه مهمترین تهدید است که از بهم خوردن موازنه به نفع رقیبان برای ایران ایجاد می‌شود و می‌تواند بشدت منافع و امنیت ملی را تحت تاثیر قرار دهد (ذولفقاری و عمرانی، پیشین: ۱۸۸-۱۸۷). حضور داعش در افغانستان با هدف کاهش عمق استراتژیک جمهوری اسلامی ایران با نزدیک شدن گروه تکفیری-تروریستی داعش به نزدیکی مرزهای کشور طراحی شده است.

۹-۵- ایجاد درگیری و هزینه امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران

رژیم صهیونیستی و آمریکا به همکاری برخی کشورهای منطقه به دنبال تغییر موازنه استراتژیک در به ضرر جمهوری اسلامی ایران عمق راهبردی کشورمان را تضعیف کنند (آذین و سیف‌زاده، ۱۳۹۴: ۴۲). انتشار داعش در افغانستان بستر مناسبی برای تجمیع، تجهیز و تقویت تمام گروه‌های مسلح ضدایرانی توسط دشمنان را باعث می‌شود (عالیشاهی و دیگران، ۱۳۹۶: ۱۹۱). گسترش رادیکالیسم سنی در مرزهای شرقی به خصوص افغانستان نوعی تهدید فرهنگی و مذهبی علیه جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود. حضور داعش در افغانستان با توجه به اختلافات ایدئولوژیک این گروه با جمهوری اسلامی ایران در راستای اهداف آمریکا انجام می‌گیرد. آمریکا از این طریق به دنبال ایجاد چالش برای امنیت جمهوری اسلامی ایران است که همواره یکی از استراتژی‌های آمریکا و عربستان سعودی بوده است. آمریکایی‌ها تصور می‌کنند با ایجاد جبهه جدیدی در

شرق کشور و فشار بر مرزهای شرقی نفوذ جمهوری اسلامی ایران در سوریه و عراق را تحت فشار قرار دهند. آمریکا به دنبال افزایش هزینه‌های امنیتی جمهوری اسلامی ایران از طریق بی‌ثباتی و ایجاد سناریوی آشوب است (پایگاه خبری الوقت، ۱۳۹۸).

۹-۶- اجماع و پیوستن گروه‌های تروریستی با داعش

سازمان ملل طی گزارشی در مورخ ۱۳۹۴/۰۷/۰۳ اعلام داشت که داعش در حال تاخت‌وتاز در افغانستان بوده و تعداد فزاینده‌ای هوادار پیرو در ۲۵ استان از ۳۴ استان این کشور بدست آورده است. این گروه در حال تلاش برای تثبیت خود و به چالش کشیدن طالبان در زمین خودشان افغانستان است. برطبق داده‌های سازمان ملل متحد تعداد شاخه افغانی داعش از چندصد نفر تا ۶ هزار نفر افزایش یافته است. گروه داعش در افغانستان با کمک گرفتن از شبکه‌های اجتماعی به تبلیغ و جذب طلاب پاکستان و افغانستان روی آورده است. طالبانی که پس از ده سال سرنگونی دلسرد شده و افرادی که به هر دلیل از این گروه جدا شده‌اند و نیز سایر گروه‌های تروریستی به داعش روی آورده‌اند و با این گروه بیعت می‌کنند (صفوی، ۱۳۹۶: ۱۱۲). گروه‌های تروریستی زیادی در افغانستان وجود دارند که مستعد پذیرش حضور در داعش و بیعت با این گروه تکفیری هستند. این اتفاق می‌تواند تبعات شدیدی امنیتی علیه کشور را تشدید کند.

۹-۷- مهار جمهوری اسلامی ایران از درون

آمریکا برای خود در منطقه غرب آسیا منافع گسترده تعریف کرده و به منظور دستیابی به این هدف توطئه‌های جدیدی را در این منطقه طراحی و اجرا می‌کند. داعش حاصل طراحی آمریکا و غربی‌هاست که با موتور محرکه دولت‌های مرتجع عربی تلاش کردند. تسلط و آقایی خود را بر منطقه استراتژیک غرب آسیا توسعه دهند. به جای درگیری مستقیم به دنبال استفاده از گروه‌های تروریستی و داعش برای مقابله با موج انقلاب اسلامی و جلوگیری از بیداری اسلامی هستند. از طریق مهار انقلاب اسلامی از درون به آنها در تلاش هستند به جای آنکه جمهوری اسلامی ایران در منطقه با اسرائیل و صهیونیست‌ها تلاش و مبارزه کند. هزینه و وقت خود را صرف تقابل با داعش و تکفیری‌ها در کشورهای همسایه کند. با رشد ناامنی از تفکر رهبران انقلاب اسلامی در دیگر کشورها جلوگیری کنند. انتقال داعش به افغانستان در راستای این هدف از سوی دولت‌های مرتجع عرب، رژیم صهیونیستی و آمریکا دنبال می‌شود (همان، ۱۱۶).

۹-۸- مقابله با توسعه نفوذ و قدرت جمهوری اسلامی ایران

جمهوری اسلامی ایران با حمایت از مهد مقاومت بزرگترین مانع تحقق هدف اربابان داعش یعنی امنیت درازمدت برای رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید. داعش کاملاً مطابق با منافع ملی و راهبردی آمریکا عمل می‌کند و فرصت کنونی که به یمن جریان تکفیری ایجاد شده است نقطه عطفی است که آمریکا می‌تواند از آن برای نوعی ایجاد موازنه قوا در منطقه استفاده کند به بیانی دیگر قدرت ایران را که با حمله آمریکا به عراق و سقوط صدام و ایجاد دولت شیعی در این کشور و تقویت محور مقاومت شامل حزب‌الله و حماس روندی رو به تزاید داشته است را تعدیل کند. دامنه نفوذ جمهوری اسلامی ایران از غرب افغانستان تا مدیترانه را در بر می‌گیرد که چالشی بزرگ برای ایالات متحده است محسوب می‌شود، داعش قوی‌ترین سد مقابله با نفوذ جمهوری ایران در غرب آسیاست. نکته غیرقابل انکاری وجود دارد که جریان تکفیر و حامیان آن، کاملاً در جهت خواسته‌های استکبار و صهیونیسم دارند حرکت می‌کنند (شاهقلیان قهفرنی و رستمی، ۱۳۹۸: ۱۳۵).

۹-۹- استراتژی جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات تروریسم نوین

نظریه «تهاجم دفاع» در زمینه کاهش احتمال جنگ از طریق اتخاذ رویکردهای دفاعی و عدم بروز رفتارهای تهاجمی و نیز در راستای کاهش احتمال شکست و بالا بردن قابلیت‌های نظامی و مسلح کردن خود مطرح است. امام خامنه‌ای در دانشگاه علوم دریایی امام خمینی آذر ۱۳۹۴ تأکید نمودند آمادگی نیروهای مسلح فقط به معنای این نیست که در نبرد پیروز شوید بلکه معنای دیگر آن مصون نگه داشتن کشور از نیت بد دشمنان است. وقتی شما آماده باشید دشمن جرات نمی‌کند بطرف شما گامی از روی بدخواهی بردارد. به اعتقاد ایشان این امر یعنی بازدارندگی و کاهش احتمال وقوع جنگ. این استراتژی مبتنی بر بازدارندگی شبکه‌ای و دفاع پیشرو از طریق حضور فعال در تحرکات سیاسی امنیتی است. بعبارتی در شبکه‌سازی حوزه‌های استراتژیک هدف اساسی تأثیرگذاری بر حلقه‌های مختلف امنیت شور یا واحدها یا مناطق ژئوپلیتیکی یک کشور است. تا در صورت وقوع ناامنی هزینه اقدام دشمنان افزایش یافته و در نقاطی فراتر از مرزهای رسمی تهدیدات کنترل یا خنثی شوند. در این راستا جمهوری اسلامی ایران برای حفظ تمامیت ارضی و سیاسی خود قابلیت‌های دفاع غیرمتقارن و بازدارندگی‌اش را افزایش داده است. استراتژی نظامی جمهوری اسلامی ایران تدافعی است و براساس بازدارندگی و جلوگیری از حملات، دوام در برابر حملات اولیه، تلافی اقدامات و حملات متجاوزان و بکارگیری راه‌حل دیپلماتیک بدون دادن امتیاز عمده قرار گرفته است. اکنون کشورمان در شرایط ویژه‌ای قرار دارد. از یکسو در وسط حرکت‌های افراطی قرار دارد. که این منجر به واکنش طبیعی کشورمان برای حفظ و ثبات امنیت خود در قالب پیگیری از تهدیدات می‌شود (برزگر، پیشین).

جمهوری اسلامی ایران حضور منطقه‌ای خود را در قالب دفع مشکلات منطقه‌ای و برای افزایش امنیت نسبی ضروری می‌داند. اکنون بروز تهدیدات جدید برای امنیت ملی کشور از جمله ظهور گروه تروریستی داعش از سال ۲۰۱۴ با هدف تضعیف نقش و قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران صورت گرفته و سبب شده است استراتژی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران به سمت بازدارندگی سوق پیدا کند (همان).

۱۰- اقدامات پیشگیرانه از رشد تروریسم در حوزه ژئوپلیتیکی افغانستان

۱-۱۰- اثربخشی ژئوپلیتیکی در مقابله با تروریسم

ثبات و امنیت در حوزه سیاست خارجی به واقع از موضوعات امنیت ملی هستند. فعالیت‌های داعش و شبکه‌های تروریستی وابسته به القاعده در اطراف مرزهای جمهوری اسلامی ایران از نوع تهدیدات نامتقارن است که خطرات جدی برای امنیت ملی کشور به همراه دارند. جبر تاریخی، جمهوری اسلامی ایران را مجبور به حضور قوی در منطقه به منظور پر کردن خلاءهای امنیتی می‌کند. تصمیم فعلی جمهوری اسلامی ایران برای مذاکره با طالبان در افغانستان عمدتاً با هدف خنثی کردن تهدیدات بالقوه امنیتی در شرایط مشارکت احتمالی این گروه در آینده حکومت افغانستان، بویژه اقناع طالبان برای قطع روابط با گروه تروریستی داعش^{۲۵} است. اتصال ژئوپلیتیک به امنیت پایدار از طریق پیشگیری از تهدیدات، نیازمند روابط خوب با دولت‌های دوست و پر کردن خلاء امنیتی ناشی از جنگ‌ها در وضعیت پسمانزعه است. منطق کاربرد اثربخشی ژئوپلیتیک و اتصال امنیت منطقه‌ای به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به منظور دفع تهدیدات و مبارزه با نیروهای افراطی و گروه‌های تروریستی و همچنین بی‌نظمی‌های سیاسی-امنیتی ناشی از دولت‌های ناکام در منطقه خاورمیانه ضرورت دارد (برزگر، پیشین).

۱۰-۲- جلوگیری از تشکل دولت تروریستی کنار مرزهای کشور

استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران از شکل‌گیری اولین دولت تروریستی در منطقه جلوگیری کرد. داعش تا ۲۰ کیلومتری مرزهای غربی کشور تا خانقین پیشروی کرد و جمهوری اسلامی ایران هزینه‌های زیادی برای مقابله با داعش پرداخته است، داعش می‌توانست سرزمین‌هایی را که از عراق و سوریه تصرف کرده بود برای مدت زمان چند سال حفظ کند و خلافت خود را تثبیت کند. آنوقت درست کنار مرز جمهوری اسلامی ایران میلیون‌ها تروریست پرورش می‌یافتند. که اساساً هدفی مهمتر و البته در دسترس‌تر از جمهوری اسلامی ایران نمی‌دیدند. اگر دولت داعش در عراق و سوریه پا می‌گرفت. آنوقت تمام ارتش‌های دنیا هم

می‌آمدند بعید بود بتوانند از عهده میلیون‌ها جوانی که خود را «سرباز خلافت» می‌دانند و آماده هر جنایتی هستند برآیند. برنامه منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران چنین جنایتی را منتفی کرد. راهبرد منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران و تشکیل ارتش چندملیتی مدافعان حرم توانست جلوی تشکیل دولت به تمام تروریستی را بگیرد (محمدی، ۱۳۹۶).

۱۰-۳- حفظ حکومت‌های منطقه از فروپاشی

از سوی دیگر جمهوری اسلامی ایران با حمایت از محور مقاومت بزرگترین مانع تحقق هدف اربابان داعش یعنی امنیت درازمدت برای رژیم صهیونیستی به حساب می‌آید. ضرباتی که داعش به دلیل حمایت‌های ایران از دولت‌های قانونی عراق و سوریه متحمل شده، مهمترین عامل در فروپاشی ابهت پوشالی این گروهک بوده است (اسلامی‌فرد، ۱۳۹۵). استراتژی منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران کمک سازنده‌ای به حکومت‌های منطقه در راستای مساله ترمیم‌پذیری دولت‌ها و حفظ ساختار دولت-ملت در منطقه بوده است (لفورکی احمدی، ۱۳۹۵). راهبرد جمهوری اسلامی ایران ترمیم‌سازی نهادین و جلوگیری از فروپاشی چهارچوب ساختاری حکومت‌های منطقه است. به این دلیل مهم که سرنوشت تمام کشورهایی که توسط آمریکا دچار فروپاشی حکومت مرکزی شده‌اند و خلا قدرت بوجود آمده ناشی از آن رشد گروه‌های تروریستی را در پی داشته است. جمهوری اسلامی ایران با رویکرد اصلاحی و ترمیم‌سازانه به حفظ حکومت‌ها و مرزهای ملی در منطقه متعهد است.

۱۰-۴- مشروعیت بخشیدن به دولت قانونی بشار اسد جبهه نخست مقابله با داعش

بزرگترین فرصتی که عملکرد داعش برای جمهوری اسلامی ایران به وجود آورده است، مشروعیت بخشیدن به دولت قانونی بشار اسد است. داعش با ورود خود به عراق نشان داد که به مرزهای سیاسی اعتقادی ندارد و تهدیدی برای جامعه جهانی محسوب می‌شود. اقدامات داعش نشان داده که بشار اسد به دنبال قدرت‌طلبی نبوده و برای صیانت از ملت سوریه با این افراد می‌جنگد. افکار عمومی منطقه و جامعه جهانی نیز به این مسئله پی برده‌اند که بحران سوریه منشأ خارجی دارد. غربی‌ها در موضوع سوریه، وجهه و حیثیت‌شان خدشه‌دار شده است و ایران توانست جامعه جهانی را علیه تروریست‌ها بسیج کند (اشرف نظری، ۱۳۹۴). در موضوع سوریه جمهوری اسلامی ایران توانست افکار عمومی خود را متقاعد کند که باید علیه تروریسم اقدام کند. چون تروریست‌ها از سوریه به عراق و به ایران خواهند آمد. جمهوری اسلامی ایران با راهبرد پیش‌دستانه دفع تهدیدات تروریست‌ها را در خارج از مرزهایش دنبال می‌کند (باقری‌زاده و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۹۳).

۱۰-۵- فرصت مقابله با موج ایران‌هراسی

در طول تاریخ همواره نگاه مثبت و منفی نسبت به جمهوری اسلامی ایران وجود داشته است رویکرد منفی تلاش می‌کند جمهوری اسلامی ایران را در پیوند با ضد ارزش‌های جامعه جهانی قرار دهد. این فرآیند موضوعی است که تلاش می‌شود با مفهوم ایران‌هراسی معرفی گردد. جیمز بیل پدیده ایران‌هراسی را ناشی از استقلال‌طلبی جمهوری اسلامی ایران از آمریکا می‌داند. از این‌رو به ایجاد موج ایران‌هراسی در منطقه و جهان دامن می‌زند (مهدی‌زاده و میرحسینی، ۱۳۹۶: ۱۵۴). افراطی‌گری‌های داعش، تبلیغات رسانه‌های وابسته به غرب و رژیم صهیونیستی را که مدعی بودند جمهوری اسلامی ایران عامل افراطی‌گرایی است منتفی می‌کند (پیشوایی، ۱۳۹۳). به بیانی دقیق‌تر نتیجه سیاست‌های شوم حامیان گروه تروریستی داعش خطر اصلی برای منطقه و جهان را وهابیت معرفی کرد. رویکرد منطقی و عقلانی جمهوری اسلامی ایران با روش دولت واقع‌گرایی و مقابله با این گروه تاثیر زیادی در کاهش موج ایران‌هراسی داشته است.

۱۰-۶- تقویت موقعیت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران در خاورمیانه

اگرچه حضور داعش در عراق و سوریه، تهدیداتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد می‌کند، اما آمریکایی‌ها نمی‌توانند به تنهایی داعش را حذف کنند مبارزه با این جریان نیاز به همکاری و همسویی دولت‌های منطقه‌ای^{۲۷} خصوصاً جمهوری اسلامی ایران دارد زیرا دولت جمهوری اسلامی ایران منتخب و مورد حمایت خود مردم است. درحالی‌که دولت‌های عربستان، اردن و ... فاقد حمایت مردمی هستند و از این بابت احساس عجز می‌کنند (اخضریان کاشانی، ۱۳۹۳). هیچ بحرانی بدون حضور و نقش جمهوری اسلامی ایران در منطقه حل‌شدنی نیست. که این موضوع نشان از اهمیت ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک جمهوری اسلامی ایران در منطقه دارد. تضعیف و شکست گروه داعش توسط جمهوری اسلامی ایران منجر به افزایش حوزه راهبردی و افزایش ضریب امنیتی جمهوری اسلامی ایران در منطقه شده است. رویکرد جمهوری اسلامی ایران با روش دفاع فعال، استراتژیک و واقع‌گرایی در مقابله فوری با تروریسم داعش منجر به تقویت قدرت منطقه‌ای جمهوری اسلامی ایران شده است.

۱۰-۷- صلح‌سازی و حضور در افغانستان

استقرار ثبات و امنیت در افغانستان تاثیر زیادی در کنترل افراط‌گرایی در این کشور داشته است که ارتباط مستقیم با منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد. تغییرات جدید ژئوپلیتیک در این کشور پیامدهای جدید امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران دارد (غراوی، پیشین: ۱۹۶-۱۹۵). جمهوری اسلامی ایران بیشترین نقش

را در صلح و امنیت افغانستان داشته است. صلح چیزی نیست جز تقسیم منافع بنابراین صلح بدون حضور و مشارکت جمهوری اسلامی ایران در افغانستان یعنی نادیده گرفتن منافع کشورمان، جمهوری اسلامی ایران در افغانستان به دنبال ایجاد امنیت پایدار است و الزاما باید در فرآیند صلح‌سازی حضور داشته باشد. به این دلیل که اگر افراط‌گرایان قدرت بگیرند به زیان منافع ملی کشور ماست و جمهوری اسلامی ایران در ثبات و امنیت افغانستان نقش بسیار زیادی دارد. جمهوری اسلامی ایران افغانستان را پیوست ژئوپلیتیکی خود در منطقه می‌داند. بر همین اساس اهتمام ویژه دارد تا با ایجاد صلح در افغانستان فضای داخلی این کشور به سمتی هدایت شود تا امکان رشد گروه‌های تروریستی بطور دائمی منتفی شود.

۱۰-۸- استراتژی دولت-ملت‌سازی در افغانستان

جمهوری اسلامی ایران مشارکت فعالانه گسترده‌ای در کنفرانس بن در آلمان داشت. مقامات رسمی کشور در این کنفرانس از تشکیل دولت توسط حامد کرزی حمایت کردند (sipri, 2013). جامعه بسیار سنتی و حاکم بودن ایستارهای ذهنی قومیتی در افغانستان مانع طی شدن فرآیند دولت-ملت‌سازی و شکل‌گیری دولت مقتدر مرکزی در این کشور و عامل ضعف گسترده دولت مرکزی در این کشور بوده است. در شرایط ضعف دولت مرکزی طبیعتاً زمینه‌ها برای رشد و تکثیر گروه‌های تروریستی فراهم می‌آید (خبرگزاری صدا و سیما، ۱۳۹۷). می‌توان گفت ریشه‌کنی گروه‌های افراط‌گرا در گرو ایجاد ثبات و توسعه در کشورهای خاورمیانه است. در مقابل اگر بی‌ثباتی ادامه یابد و دولت‌های شکننده نتوانند به دولت کامل تبدیل شوند یا دولت‌ها در معرض فروپاشی قرار داشته باشند. نه تنها گروه‌های تروریستی از بین نمی‌روند بلکه گسترش بیشتری پیدا می‌کنند (ایزدی، ۱۳۹۵: ۱۳۷). جمهوری اسلامی ایران تلاش گسترده‌ای در راستای دولت-ملت‌سازی در افغانستان انجام داده است. تکثر هویتی در جامعه افغانستان به لحاظ قومی، نژادی، مذهبی همواره عامل بسط و رشد گروه‌های تروریستی بوده است. استراتژی کلان جمهوری اسلامی ایران در راستای گذر از جامعه سنتی و تکثر هویتی افغانستان به سمت شکل‌گیری هویت ملی واحد با هدف تشکیل دولت فراگیر با جهت‌گیری بهینه‌ساز بوده است.

۱۰-۹- تقویت و همکاری با گروه‌های میانه‌رو

هدف از ارتباط با گروه طالبان کاهش تهدید و آسیب‌پذیری‌هایی که از ناحیه طالبان امکان دارد به امنیت و سیاست خارجی ایران اثر داشته است. هدف دیگر جمهوری اسلامی ایران از مذاکره با طالبان به این مهم باز می‌گردد. که شرایط کنونی گروه طالبان می‌تواند تهدید و چالش‌های جدی برای امنیت ملی جمهوری اسلامی

ایران داشته باشد. شرایط حاضر فرصت خوبی را در اختیار تهران قرار خواهد داد چون اکنون هم جمهوری اسلامی ایران و هم طالبان در افغانستان دشمن مشترکی به نام داعش دارند. جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از طریق گروه طالبان به دفع تهدید بزرگتری به نام داعش در مرزهای شرقی خود دست بزند. لذا اتحاد نیروها برای رفع یک دشمن مشترک نیازمند گفتگو و مذاکره جدی میان تهران و طالبان است که می‌تواند در بستر این مذاکرات شرایطی برای دفع تهدید بزرگتری چون داعش شکل بگیرد. جمهوری اسلامی ایران بنا به مقتضیات استراتژیک به صورتی هوشمندانه گفتگو با گروه‌های میانه‌رو را برگزیده است. تا آنها را برای مقابله با داعش بسیج و توانمند سازد. ترویج گفتمان میانه‌روی بستر مناسبی برای جلوگیری از پیوستن اعضای طالبان به داعش و همچنین ریزش تعداد اعضای گروه داعش در این کشور است.

نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران از آغاز همواره آماج تهدیدات علیه امنیت ملی کشور در حوزه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی و نظامی بوده است. که این تهدیدات توسط نظام سلطه با حربه‌های مختلف «تروریسم» و صحنه‌گردانی بازیگران منطقه‌ای انجام شده است. از جمله این تهدیدات شکل گرفته علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران نفوذ و رشد جریان افراطی داعش در افغانستان است. داعش مولود جریان القاعده و طالبان است که طی سه دهه گذشته در کشور افغانستان فعالیت داشته‌اند. هرچند مبارزین «افغان عرب» در ابتدا با هدف مقابله با اشغالگری شوروی سابق و سپس نیروهای ناتو به افغانستان آمدند و بدلیل پشتیبانی فکری مدارس دینی وهابی و کمک‌های مالی کشورهای مرتجع عربی افغانستان تبدیل به مرکز پرورش تروریسم نسل نوین گردید که به لحاظ تعیین حوزه ژئوپلیتیک، گفتمان هویتی و غیره‌ویتی و عمق خشونت نسبت به شیعیان با نسل‌های پیشین تفاوت عمیقی دارند. بعد از شکل‌گیری داعش در عراق و سوریه، کشور افغانستان نیز علی‌رغم اینکه اکثریت اهل سنت گرایش حنفی دارند، اما ژئوپلیتیک حساس و مستعد رشد تروریسم و همچنین وجود تفکر افراطی-تکفیری که به ایدئولوژی وهابیت و قبل از آن به ابن‌تیمیه برمی‌گردد، منجر به پیدایش و رشد داعش در افغانستان شده است. از منظر تئوریک ژئوپلیتیک انتقادی برخلاف نوع سنتی به بسترهای ذهنی و عینی فضا و تاثیر عوامل نامطلوب ژئوپلیتیکی توجه دارد. نسل نوین تروریسم با ایدئولوژی خصمانه علیه شیعیان فضایی تهدیدساز را در افغانستان ایجاد کرده است. از منظر نخبگان امنیتی و سیاسی جمهوری اسلامی ایران امنیت ملی در پیوست و اتصال با امنیت منطقه‌ای تعریف و متعاقبا پیگیری می‌شود. دفاع فعال و استراتژیک با روش دولت واقع‌گرای در راستای مقابله با تروریسم داعش در افغانستان از الزامات تامین امنیت ملی کشور

است. به بیانی دقیق‌تر جمهوری اسلامی ایران با رویکردی هوشمندانه و راهبردی میدان نبرد با تروریسم داعش را در فاصله دور از مرزهای فوری تعریف کرده است. هدف فوری جمهوری اسلامی ایران از مدیریت هوشمندانه ضمن ارتقا امنیت ملی کشور دفع حضور و تهدید داعش در افغانستان در همسایگی مرزهای شرقی کشور است. باتوجه به همجواری کشور افغانستان با استان‌های شرقی جمهوری اسلامی ایران این پدیده می‌تواند تهدیدات فعال و جدی را برای امنیت ملی کشور بوجود آورد. مقابله با تروریسم داعش نیازمند ابتکار عمل و راهکارهایی است که هماهنگی و همکاری تمامی کشورهای منطقه‌ای و اسلامی را طلب می‌کند. پیامد بلندمدت سرکوب و مداخله بیگانگان در افغانستان توسط کشورهای غربی بخصوص ناتو با محوریت آمریکا به فروپاشی نهاد و سیستم حاکمیتی در این کشور شده است. همچنین نقش تخریب‌کننده و نامطلوب عربستان سعودی در ترویج وهابیت و سلفی‌گری در افغانستان با ثروت‌های نفتی موجب تقویت تنفر، خشونت و ضدیت عناصر تروریستی با شیعیان در افغانستان شده است. قدرت‌گیری داعش در افغانستان و تجمع عناصر این گروه به تهدید علیه شیعیان در منطقه منجر می‌شود.

تغییر و اصلاح گفتمان‌ها، ایستارهای شناختی، بسترهای فرهنگی ایدئولوژیکی، خروج نیروهای بیگانگان از منطقه، دستیابی به درک مشترک از گفتمان‌های مذهبی و ایجاد هویت‌های بهینه و میانه‌رو می‌تواند در دفع خطر تروریسم داعش موثر واقع گردد. کشورهای منطقه باید به این درک برسند که امنیت همه کشورها و ادیان الهی در مقابله تهدید تروریسم داعش، به هم پیوسته است و آنها تنها با یک گروه تروریستی مبارزه نمی‌کنند، بلکه با یک ایدئولوژی مخرب و تهدیدزا روبرو هستند و باید جدای از عرصه نظامی این دهنیت و گفتمان تروریستی را در عرصه اندیشه و تفکر شکست داد. در حقیقت تروریسم داعش بزرگترین خطری است که جهان در دهه آینده با آن روبرو است. بذره‌های این تفکر خشونت‌آمیز اکنون در اروپا، آمریکا، آسیا، آفریقا و مناطق دیگر در حال رشد است. داعش با استفاده از گفتمان غیرواقعی و وارونه‌ای که از اسلام ارائه می‌دهد این امکان را دارد که با افزایش و ترویج گفتمان هویتی داعش، توانایی جذب گروه‌های تروریستی و عناصر افراط‌گرا از سراسر جهان را داشته باشد. به همین دلیل نابودی گروه‌های تروریستی برای پایان دادن به این خطر کافی نیست، بلکه باید با ریشه‌های ایدئولوژیک این جریان خطرناک مقابله کرد تا مجدد در منطقه در قالب گفتمانی، ایدئولوژیکی و ژئوپلیتیکی فرصت ظهور و رشد نیابد. کشور افغانستان نیازمند توجه بیشتر برای مقابله با نسل نوین تروریسم گروه تکفیری داعش است. چون داعش بصورت خزنده در این کشور که زادگاه تروریسم است در حال رشد و تقویت است.

فهرست منابع

فارسی:

- ۱- آدمی، علی و کشاورز مقدم، الهام (۱۳۹۴)، «جایگاه مجموعه امنیتی محور مقاومت در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱۴.
- ۲- آذرشب، محمدتقی و مومنی، محمدجواد (۱۳۹۶)، «الزامات امنیت منطقه‌ای و استراتژی امنیتی ایران در خاورمیانه»، فصلنامه راهبرد سیاسی، س ۱، ش ۲.
- ۳- آذین، احمد و سیف‌زاده، علی (۱۳۹۴)، «بررسی زمینه‌های اجتماعی و سیاسی ظهور داعش در خاورمیانه»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۲۳، ش ۴.
- ۴- ابراهیم‌نژاد، محمد (۱۳۹۳)، داعش، دولت اسلامی عراق و شام، قم: انتشارات دارالسلام المدرسه اهل بیت (ع).
- ۵- اسلامی‌فرد، غلامحسین (۱۳۹۵)، «صعود و سقوط داعش و نقش رسانه‌ها»، مجله مدیریت رسانه.
- ۶- اسماعیل‌زاده امامقلی، یاسر و احمدی فشارکی، حسنعلی (۱۳۹۵)، «داعش و امنیت ملی ایران با تکیه بر مکتب کپنهاگ»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۵، ش ۱۸.
- ۷- اشرف نظری، علی و لسمیری، علیرضا (۱۳۹۴)، «بازخوانی هویت داعش: فهم زمینه‌های فکری-سیاسی و اجتماعی»، فصلنامه علوم سیاسی، س ۱۷، ش ۶۸.
- ۸- احمدی‌پور، زهرا و بدیعی، مرجان (۱۳۸۱)، «ژئوپلیتیک انتقادی»، فصلنامه مدرس، دوره ۶، ش ۴.
- ۹- احمدی، سیدعباس (۱۳۹۷)، «تبیین مفهومی ژئوشیعه ارائه تعریفی جدید»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۱۴، ش ۱.
- ۱۰- اخضریان کاشانی، محمدرضا (۱۳۹۳)، «داعش: پایش چالش‌ها و فرصت‌ها»، خبرنامه صادق.
- ۱۱- افضل‌ی، رسول و دیگران (۱۳۹۳)، «قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک»، فصلنامه سیاست جهانی، دوره ۳، ش ۴.
- ۱۲- افضل‌ی، رسول و دیگران (۱۳۹۳)، «عناصر و مولفه‌های قلمروسازی گفتمانی در ژئوپلیتیک انتقادی»، فصلنامه پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۷، ش ۳.
- ۱۳- امیری، اسداله و شهرام‌نیا، امیرمسعود (۱۳۹۴)، «بحران سوریه و امنیت منطقه‌ای ج.ا.ایران»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۴، ش ۱۵.
- ۱۴- ایزدی، محسن (۱۳۹۵)، «سلفی‌گری جهادی-تکفیری و آینده ثبات سیاسی در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۶، ش ۱.
- ۱۵- باقری‌زاده، علی و دیگران (۱۳۹۷)، «سازمان‌نگاری چهارچوبی مفهومی برای تحلیل مواضع راهبردی عربستان سعودی در خاورمیانه (با تاکید بر سوریه و بحرین)»، فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام، دوره ۷، ش ۳.

- ۱۶- پیشگامی فرد، زهرا و سلیمانی مقدم، پرویز (۱۳۸۸)، «کنش استدلالی ژئوپلیتیک انتقادی»، **فصلنامه انجمن جغرافیای ایران**، س ۷، ش ۲۳.
- ۱۷- توحیدفام، محمد و پایدار، فرهاد (۱۳۹۰)، «استراتژی آمریکا در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، دوره ۵، ش ۲۰.
- ۱۸- جمشیدی، محمدحسن و محسنی، سجاد (۱۳۹۷)، «چرایی انتخاب کشورهای هدف داعش و آینده پیش‌روی آن»، **فصلنامه مطالعات سیاسی جهان اسلام**، س ۷، ش ۳.
- ۱۹- جمشیدی، محمدحسین و داوند، محمد (۱۳۹۸)، «تحلیلی آینده‌پژوهانه از قدرت و نفوذ افراط‌گرایی اسلامی در جهان اسلام مطالعه موردی داعش»، **فصلنامه سیاست**، دوره ۴۲، ش ۱.
- ۲۰- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۶)، «تاثیر داعش بر ژئوپلیتیک و ناسیونالیسم دینی خاورمیانه»، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، س ۸، ش ۴.
- ۲۱- حاتمی، محمدرضا (۱۳۹۸)، «شکل‌گیری داعش در کانون پوشش جهانی شدن»، **فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل**، ش ۳.
- ۲۲- حیدری، عباس و نخعی، نصراله (۱۳۹۷)، «واکاوی ایدئولوژی داعش براساس نظریه توماس اپرکینز»، **فصلنامه سیاست**، ش ۴.
- ۲۳- ذولفقاری، مهدی و عمران، ابودر (۱۳۹۶)، «تاثیر داعش بر امنیت ملی ج. ا. ایران»، **فصلنامه پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام**، س ۷، ش ۲.
- ۲۴- رسولی ثانی‌آبادی، الهام (۱۳۹۷)، «بررسی ماهیت کنش‌گری داعش از منظر مفاهیم روابط بین‌الملل»، **فصلنامه دولت پژوهی**، س ۴، ش ۱۳.
- ۲۵- رضایی، رضا و موسوی جشنی، سیدصدرالدین (۱۳۹۶)، «ظهور داعش و تاثیر آن بر معادلات منطقه‌ای: مطالعه موردی چالش‌ها و فرصت‌های بوجود آمده برای ایران»، **فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی جهان اسلام**، دوره ۵، ش ۲.
- ۲۶- سلطانی گیشینی، محمدجواد و دیگران (۱۳۹۶)، «رویکردهای نظری به جنگ‌های جدید: مطالعه موردی داعش»، **فصلنامه جستارهای سیاسی معاصر**، س ۸، ش ۲.
- ۲۷- شاهقلیان قهفرنی، رضا و رستمی، علی‌اکبر (۱۳۹۸)، «تبیین زیرساخت‌های ایدئولوژیک و ساختار گروه داعش»، **فصلنامه علوم سیاسی: پژوهش دفاعی**، ش ۸۳.
- ۲۸- عالیشاهی، عبدالرضا و تاجیک، هادی (۱۳۹۶)، «بررسی دلایل حضور گروهک تروریستی - تکفیری داعش در افغانستان براساس تئوری دومینوی ویلیام بولیت»، **فصلنامه ژئوپلیتیک**، س ۱۳، ش ۱.
- ۲۹- عباس‌زاده فتح‌آبادی، مهدی سبزی، روح‌اله (۱۳۹۴)، «شیوه‌های هویت‌جویی القاعده و داعش»، **فصلنامه اصلاحات سیاسی و اقتصادی**، ش ۲.

- ۳۰- عباسی، ابراهیم (۱۳۹۰)، «عناصر ژئوپلیتیکی و ژئواکونومیکی محلی توسعه روابط دوجانبه ایران و افغانستان»، فصلنامه ژئوپلیتیک، س ۷، ش ۳.
- ۳۱- عباسی سمنانی، علیرضا (۱۳۹۷)، «موقعیت ژئوپلیتیک ایران در مناسبات قدرت منطقه‌ای و جهان»، ماهنامه سیمو، دوره ۲۳، ش ۸۶.
- ۳۲- غراوی، مریم (۱۳۹۵)، «استراتژی نظامی-امنیتی آمریکا در افغانستان و تاثیر آن بر امنیت ملی ج.ا.ایران»، فصلنامه مطالعات سیاسی، س ۹، ش ۳۳.
- ۳۳- عسکری، شهرام و دیگران (۱۳۹۶)، «مفهوم امنیت از منظر رئالیسم، لیبرالیسم، سازه‌نگاری و انتقادی»، فصلنامه سپهر سیاست، دوره ۴، ش ۱۱.
- ۳۴- علی اسماعیلی، حمزه و مصباح‌زاده، محمدتقی (۱۳۹۵)، «حضور داعش در افغانستان، ابعاد-پیامدها»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، ش ۶۶.
- ۳۵- فرجی‌راد، عبدالرضا و دیگران (۱۳۹۰)، «بررسی موانع دولت-ملت‌سازی در افغانستان و موانع پیش‌رو»، دانشنامه بهار، ش ۸۰.
- ۳۶- فروزپور، حسن و یوسف زهی، ناصر (۱۳۹۶)، «تاملی انتقادی به چالش‌های امنیتی روابط اقتصادی ایران و افغانستان»، دوفصلنامه سیاسی و روابط بین‌الملل، س ۱، ش ۲.
- ۳۷- گودرزی، سعید و دیگران (۱۳۹۴)، «تبیین برهم‌کنش سطوح خرد و کلان امنیت کشور»، فصلنامه سیاست، دوره ۴، ش ۲.
- ۳۸- لطفی، حیدر (۱۳۹۴)، «تحلیل ژئوپلیتیک روابط افغانستان و ایران، چالش‌ها و فرصت‌ها»، فصلنامه خراسان بزرگ، س ۶، ش ۱۹.
- ۳۹- مهدی‌زاده، علی و میرحسینی، فرشته (۱۳۹۶)، «ریشه‌های ایران‌هراسی از نگاه افکار عمومی جهان عرب»، فصلنامه سیاست خارجی، س ۳۱، ش ۲.
- ۴۰- مهریزی، محسن (۱۳۹۴)، چيستی ژئوپلیتیک انتقادی، تهران: موسسه مطالعات راهبردی معاصر.
- ۴۱- یزدان‌پناه، کیومرث و جعفری، مهتاب (۱۳۹۷)، «تحلیل ژئوپلیتیک اثرگذاری اینترنت در افزایش فعالیت تروریسم با تاکید بر داعش»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، س ۷، ش ۲۶.
- ۴۲- نبوی، محمدحسین و قربانی، محمدعلی (۱۳۹۳)، «داعش»، ماهنامه مبلغان، ش ۱۸۶.

رسانه:

- ۴۳- باهوشی فارقدنی، محمود (۱۳۹۶)، «بررسی هویت‌های جدید در غرب آسیا و ارتباط با جهانی شدن»،

- ۴۴- برزگر، کیهان (۱۳۹۷)، «سخنرانی در مرکز مطالعات راهبردی خاورمیانه، آیا امپراتوری فارس برگشته است»،
<http://www.cmess.ir>
- ۴۵- برزگر، کیهان (۱۳۹۸)، «تمرکز نشر وزارت خارجه بر تاریخ و جغرافیای اثربخش»، مرکز مطالعات خاورمیانه،
<http://www.cmess.ir>
- ۴۶- بی‌نا (۱۳۹۶)، «آمریکا عناصر داعش را به افغانستان منتقل می‌کند»، خبرگزاری آوا.
- ۴۷- بی‌نا (۱۳۹۶)، «پیوستگی امنیت ملی با امنیت منطقه‌ای»، خبرگزاری فارس.
- ۴۸- بی‌نا (۱۳۹۷)، «داعش در افغانستان زمینه‌ها و اهداف»، خبرگزاری صدا و سیما.
- ۴۹- بی‌نا (۱۳۹۸)، «اهداف آمریکا از گسترش داعش در افغانستان»، پایگاه خبری الوقت.
- ۵۰- پیشوایی، مهدی (۱۳۹۳)، «ائتلاف نمایی ضد داعش، درس‌هایی از مکتب اسلام»، <http://www.magiran.com>.
- ۵۱- صابر، محسن (۱۳۹۴)، «داعش چگونه روی موج‌سازی رسانه‌ای پیش می‌رود»، روزنامه خراسان.
- ۵۲- صفوی، سیدیحیی (۱۳۹۶)، «توضیحات سردار صفوی درباره رابطه داعش و آمریکا»، کدخبر: ۹۳۴۸۳۳.
- ۵۳- لفورکی احمدی، بهزاد (۱۳۹۵)، «حضور هیأت شورای روابط خارجی اروپا (ECER) در مرکز مطالعات
 استراتژیک خاورمیانه»، <http://www.cmess.ir>
- ۵۴- محمدی، مهدی (۱۳۹۶)، «چرا حضور منطقه‌ای ایران لازم است»، پایگاه خبری تحلیلی الف.
- ۵۵- ملازهی، پیرمحمد (۱۳۹۴)، «عوامل موثر بر حضور داعش در افغانستان»، موسسه آینده‌پژوهی جهان اسلام.

۳۴

لاتین:

- 56- Barrett, Richard (2014). The Islamic State. in: <https://media.clarionproject.org>.
- 57- daldy, simon (2008). draft chapter for peter burgess, ediror handbook of new security studies, by simon dadly, Carleton university.
- 58- Gerges, Fawaz (2005). The Far Enemy: Why Jihad Went Global. Cambridge University Press.
- 59- hattouwa, sanjana (1998). but timeis always gailty. someone mastpay for, our loss of happiness, our happiness itself. (w. hauden, from detective story.in collected peoms,1991)..//white house,remarks by the president to be opening session of the ungeneral assembly.21 septembr 1998,avaible online at <http://www.globalsecurity.org>.
- 60- spiri, Young (2013). all rights reserved. no part of this publication may be reproduced, stored in a retrievalsistem of transmitted, in any from or by any means, without the prior permission in printed in Sweden.dirctor, professor tilman bruck (Germany), www.spiri.org.